

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن آلمان، ۳۰ جولای ۲۰۰۸

## خینه بعد از عید

تا نفس باقیست ، ( افشا ) میکنم  
( محشری ) با ( شعر ) برپا میکنم  
در شمال و در جنوب و شرق و غرب  
هر که ( خائن ) بود ، ( رسوا ) میکنم  
از ( وزیر ) و از ( رئیس ) و از ( وکیل )  
هم ز پایان ، هم ز بالا میکنم  
تا ( رئیس دولت ) و ( دارالقضا )  
( حاکم ) و ، ( والی ) ، برالا میکنم  
فلم ( قمچین ) می چکه در سینما  
نقش ( کرزی ) را تماشا میکنم  
هم ( بچه فلم ) است ، هم ( بدماش فلم )  
یاد ( دارا سنگ ) و ( تارا ) میکنم  
( مسخره ) ، خوب رول بازی میکنم  
حیرت از اکت ( سپنتا ) میکنم  
( دختر فلمش ) ، نمی دانی کی بود ؟  
فکر ( شیرین ) و ، ( زلیخا ) میکنم  
( داستانش ) را نوشته ، ( طالبان )  
شکوه از این بیخدا ها میکنم  
( پَخپَلُو ) آن ( ثابت ) زنجو صفت  
بوقچه و پُشتاره اش ، وا میکنم  
جرئی بنموده ( کرزی ) گفت ، حیف  
( خینه ) بعد از ( عید ) ، ( اونجا ) میکنم

لیک سودی می نبخشد ، ( **کرزیا** ) !  
کارِ حالا ، گر به فردا میکنم  
کاش میکردی ، ز اول اینچنین  
تانمی گفتمی ، مُجَزَا میکنم  
زورِ بیجا ، کی کَنَد ( **میخ فلک** )  
گر کَنَد ، ( **بیخش** ) خُنْتَا میکنم  
مهلتِ بیست ساعته ، کاری فتاد  
حلِ مشکل ، برق آسا میکنم  
خیلی آسان ، زود ( **نافت** ) ، رفت ، رفت  
مُفت و ارزان ، بسته برجا میکنم  
بارِ دیگر ، هوش کن ( **نافت** ) نره  
ورنه از ( **نافت** ) ، ( **مُعما** ) میکنم  
مویی گر کم ، از سرِ ( **فیاض** ) شد  
طاقتِ فرهنگ ، فرسا میکنم  
حال رفتن رفتنِ ( **بوش** ) است و من  
در غیابش پُخته ( **حلوا** ) میکنم  
تا شود شیرین ، دهانِ شرق و غرب  
تلخ هارا ، چون مرَبّا میکنم  
( **جنگ و جنگسالار** ) را در پای دار  
بسته با ( **لُنگی** ) ی ( **مُلا** ) میکنم  
از ( **سیاست** ) ، ( **دین** ) را سازم جدا  
( **تاجرانس** ) را ، چلیپا میکنم  
کارِ ( **اُبا ما** ) اگر بالا گرفت  
پشتِ ( **گلبدینه** ) ، ایلا میکنم  
بعد از آن ریشِ ( **محقق** ) را تراش  
چَپَه ، با ( **ربانی آغا** ) میکنم  
اعتصابی کرده آن ( **ماهیچه خور** )  
ننگ ، از آن ، ( **بد هیولا** ) میکنم  
موتِرِ ( **کادیل** ) و ( **مادیلش** ) چی شد  
پنچرش با خارِ شورا میکنم  
( **طالبان** ) را بالباسِ ( **کوچیان** )  
مسترد ، در دشت و صحرا میکنم  
تا که با صلح و صفا و آشتی  
حلّ مشکل های دنیا میکنم  
عهد و میثاقِ جدیدی ، بینِ شان  
بسته ، باهم مُهر و امضا میکنم

بار دیگر ، گر خطای سر زدی  
عدل قانونی ، تقاضا میکنم  
بعد از آن ، از خون گند طالبان  
جاری ، نهر و جوی و دریا میکنم  
با تمام خائن و جنگ آفرین  
با سلاح شعر ، دعوا میکنم  
( **اتمر** ) و ( **قانونی** ) و ( **مسعود** ) را  
بر ( **عرب ها** ) ، مفت سودا میکنم  
( **دوستم** ) را ( **زنگ و جامن** ) میزنم  
( **خرم** ) و ( **سیاف** ) ، شیدا میکنم  
( **بیلر بم** ) ( **وردک** ) و ، اما ( **فهم** )  
( **فیل چوبی** ) اسم اهدا میکنم  
( **صبغت الله** ) ، ( **مقبل** ) و ( **ملاعمر** )  
در ( **طویله** ) ، بسته یکجا میکنم  
نوبت ( **فرهنگ** ) بعداً می رسد  
( **نا امین** ) کور ، بینا میکنم  
خان ( **اسماعیل** ) را بی آب و برق  
بسته بر زنگ ( **کلیسا** ) میکنم  
( **کرزیا** ) ! عاقل شو و بیدار باش  
از حضورت ، این تمنا میکنم  
ترک جمهوری کن و ، منزل نشین  
ورنه هر جا ، شور و غوغا میکنم  
شعر های تند و تیز و ( **قهر خیز** )  
هفته چند بار ، انشا میکنم  
( **چارشنبه ها** ) ، به آقای ( **شکیب** )  
خوانده ، درد دل ، مداوا میکنم  
چون ( **صدای مردم** ) است ونه ز من  
امر شانرا ، زود اجرا میکنم  
یا که میخوانم به ( **تیمورشاه حسن** )  
( **خشم** ) و ( **قهرش** ) را گریزا میکنم  
لیک بر ( **مهریه جان** ) از صدق دل  
قصه از ( **مجنون** ) و ( **لیلا** ) میکنم  
گر ( **خلیل داوری** ) آزرده شد  
نرم نرمک ، ( **ترک دنیا** ) میکنم  
محترم ( **وهاج** ) ، دارد ( **درد دل** )  
از ( **سراجش** ) ، دیده بینا میکنم

او که صاحب امتیاز و ، سر دبیر  
از رقیمش ، کام احلا میکنم  
من که از همکارِ خاصِ ( **درد دل** )  
افتخار ، از این مسما میکنم  
با تشکر ، از جنابِ ( **آبوی** )  
خواهشاتش را ، پذیرا میکنم  
گر شود وی ، یکشبی مهمانِ من  
پخته ( **ترکاری** ) و ( **شوروا** ) میکنم  
نه ( **شراب** ) و ( **بیر** ) و ، نه ( **چرس** ) و ( **چلم** )  
اکتفا بر ( **چای** ) و ( **کولا** ) میکنم  
« نعمتا » حالا که گپ شد اُخت و لُچ  
بر تنش ، از شعر کالا میکنم